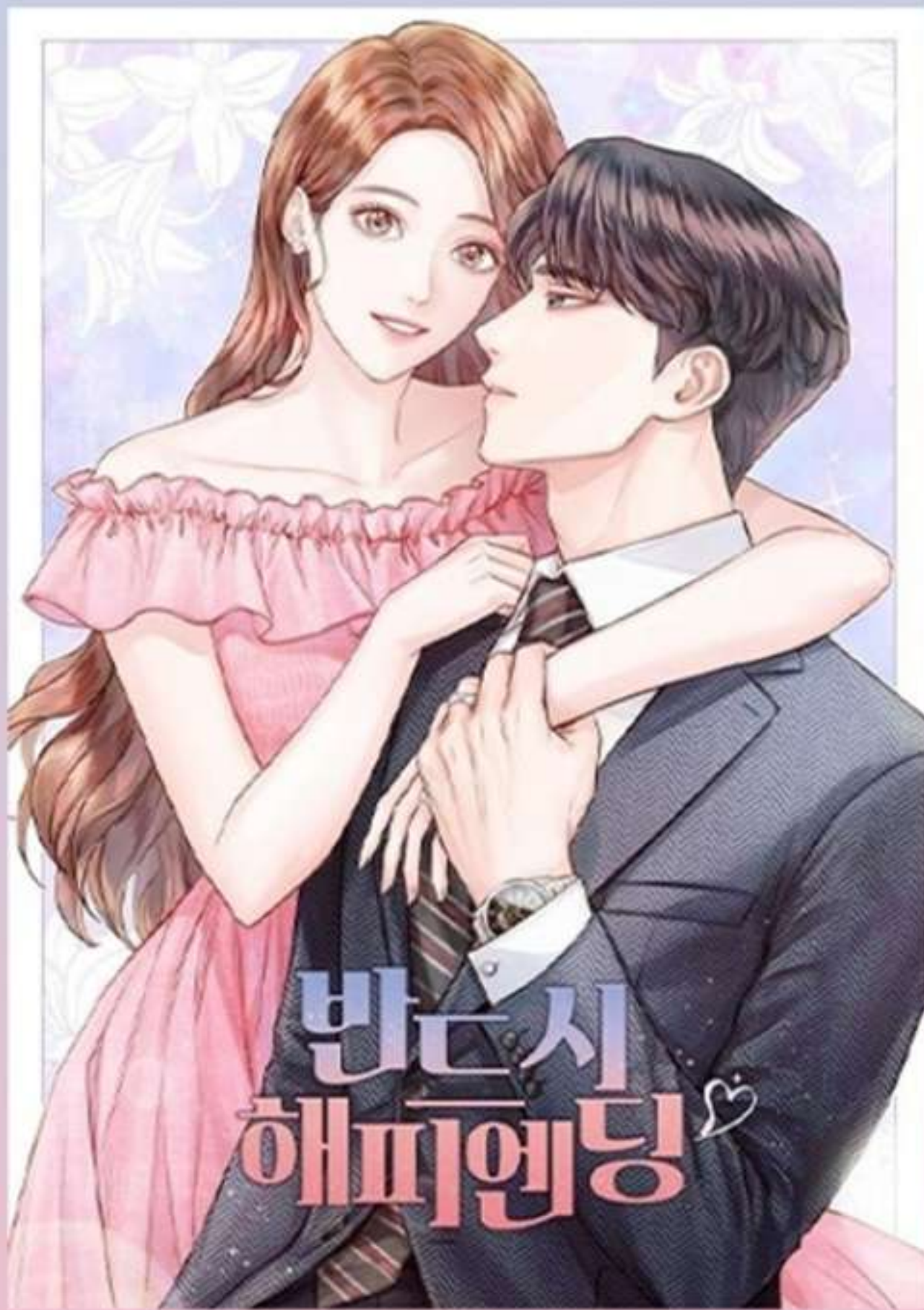




IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

مترجم: Ashley

کلینر: M.P

تایپیست: Monena



نیاید اونچوری
حملة ور میسدم
سمت ما چین ته...

خدا میدونه اون مار
هفت خط حرومزاده
چچوری میخواد از
این اتفاق به نفع
خودش استفاده کنه...؟

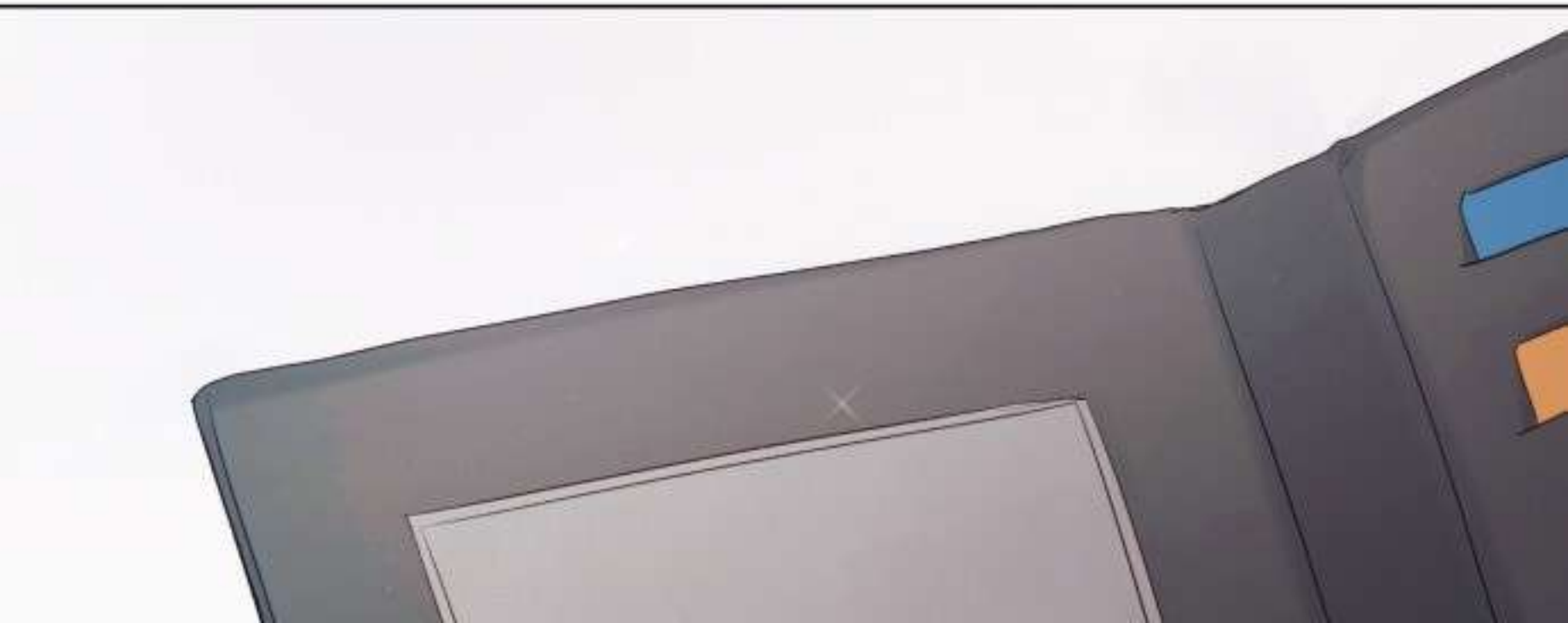




وقتِ یون
وو پر گشت...

...پاید ارش
درپاره ی اون
دفترچه پیرسم.







فکر کردم شاید
شلوارت باید شسته
بشه، به خاطر همین
داشتم اینو از توش
در می اوردم.



اوه، ممنون.

نکنه...؟

کجایی تو؟
من رسیدم خونه.





دیگه داشتم جمع میکردم
بیام. بازه زود رسیدی فونه؟



آره، پس زود
برگرد. راستی...





...تو بودی که عکس
توی کیف پولمو
برداشتی؟





اوہ، آره!

وای نه. چه زود فهمید.



چرا
اونوقت؟

چون دلم خواست.
اجازه ی همچین
کاریم ندارم؟



اگه میخوای میتونم
برات یه کپی بگیرم.





عکسه رو کجا
گذاشتی؟ خونه ست؟



بگو دیگه. اون طلسم
خوش شانسیمه.





خب...
راستشو بخوای...

...زیاد از اون عکس
خوشم نمیاد.



لبفنده
خیلی مصنوعیه.



میدونی اون روز
چه شکلی بودی؟



اون روز، دقیقا
فقط یه بار خندیدی.

ولی من بازه از
اون عکس فوشه
نمیاد.



نمیشه به جاش یه
عکس دیگه بهت بدم؟



کلی سلفی
داره، و...

...و تازه یه سونبه هم
داره که فیلی عکسای
قشنگی میگیره، به
فاطر همین کلی عکس
تکی داره.

.....



**سونبه ای که عکسای قشنگی
میگیره = شین هویجین**

박근



به هیچ وجه!

نه!

من همون عکسه
رو میخوام.

یکی دیگه رو
میخوام چیکار؟

نه نمیشه.

چرا حالا گیر داده
به اون عکس آخه؟!



Iris
Sekai
T.me/
IrisSekai



ایران



انداختمش دور.



عکسه رو انداخته
دور؟ چرا آخه؟

...چرا بدون اینکه ازم
چیزی بپرسی وسایلمو
میندازی دور؟

دقیقا چجوری اون
عکس مال توقعه؟

مال منه.
اون عکس منه.

دیگه همیشه کاریش کرد،
یه عکس دیگه به جاش بردار.

...وقتی رسیدی خونه
دربارش حرف میزنیم.



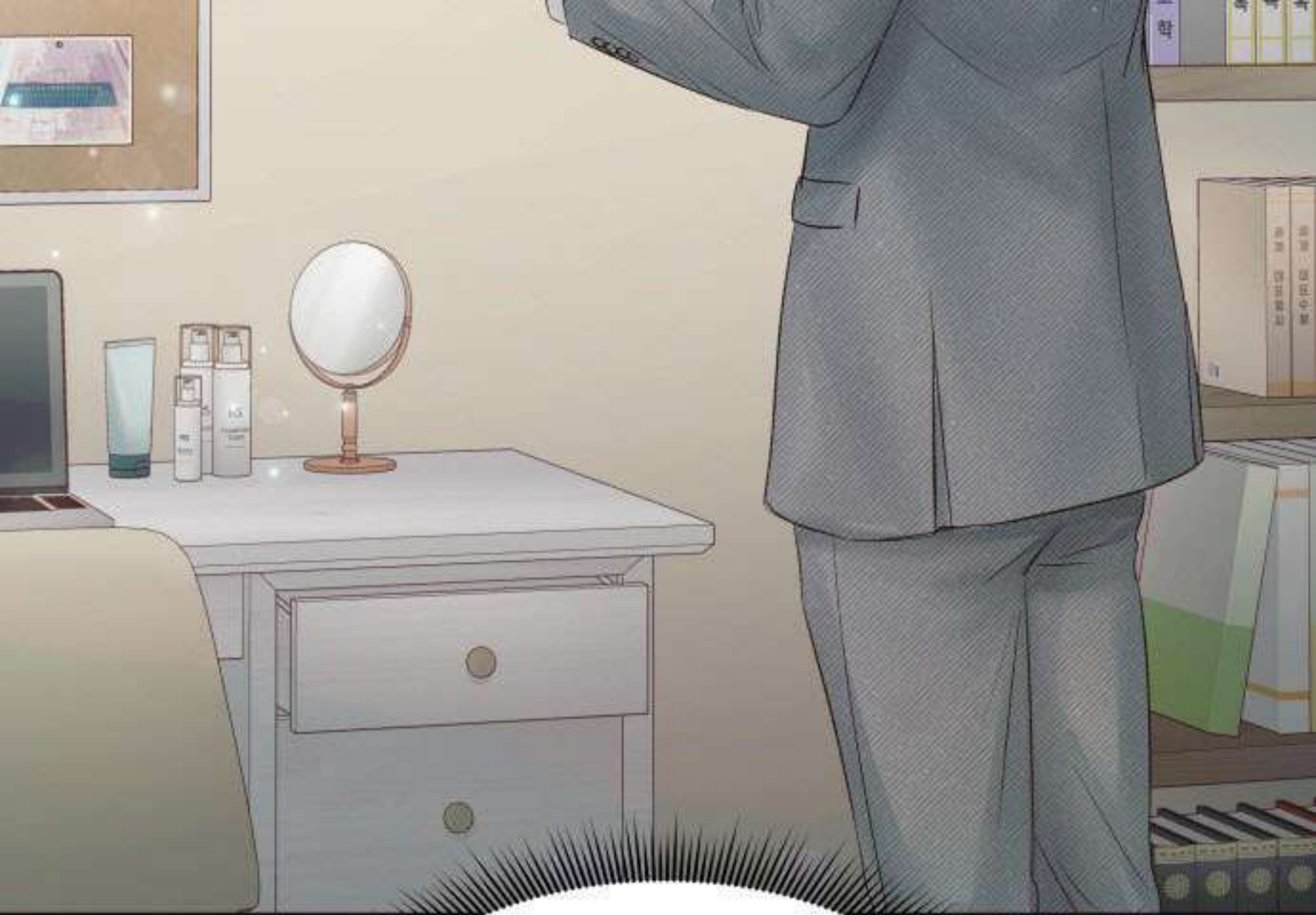


باشه. فکر کنم از
دید یئون وو بخوایم
قضیه رو ببینیم
همه چی قابل درکه.

آره محب، دلش
خوابسته
پندارتش دور.







اما چرا الان پيشتر
دلم شور ميژنه...؟







اینا یعنی چی؟

반드시 해피엔딩





از اون موقع دیگه
خبری ازش نشد...

نکنه به خاطر
عکسه هنوز
ناراحتیه؟

حتی اگرم هست، دیگه
نمیشه کاریش کرد.



راستش عکسه رو دور
نداختیم، ولی باز نمیتونم
بهش پسش بدم...

اینچوریه که میتونم
نجاشش بدم!



با این حال، فکر کنم
یه کم خورده تو ذوقش...
باید یه کاری کنم با
همدیگه آشتی کنیم.





عسلم...

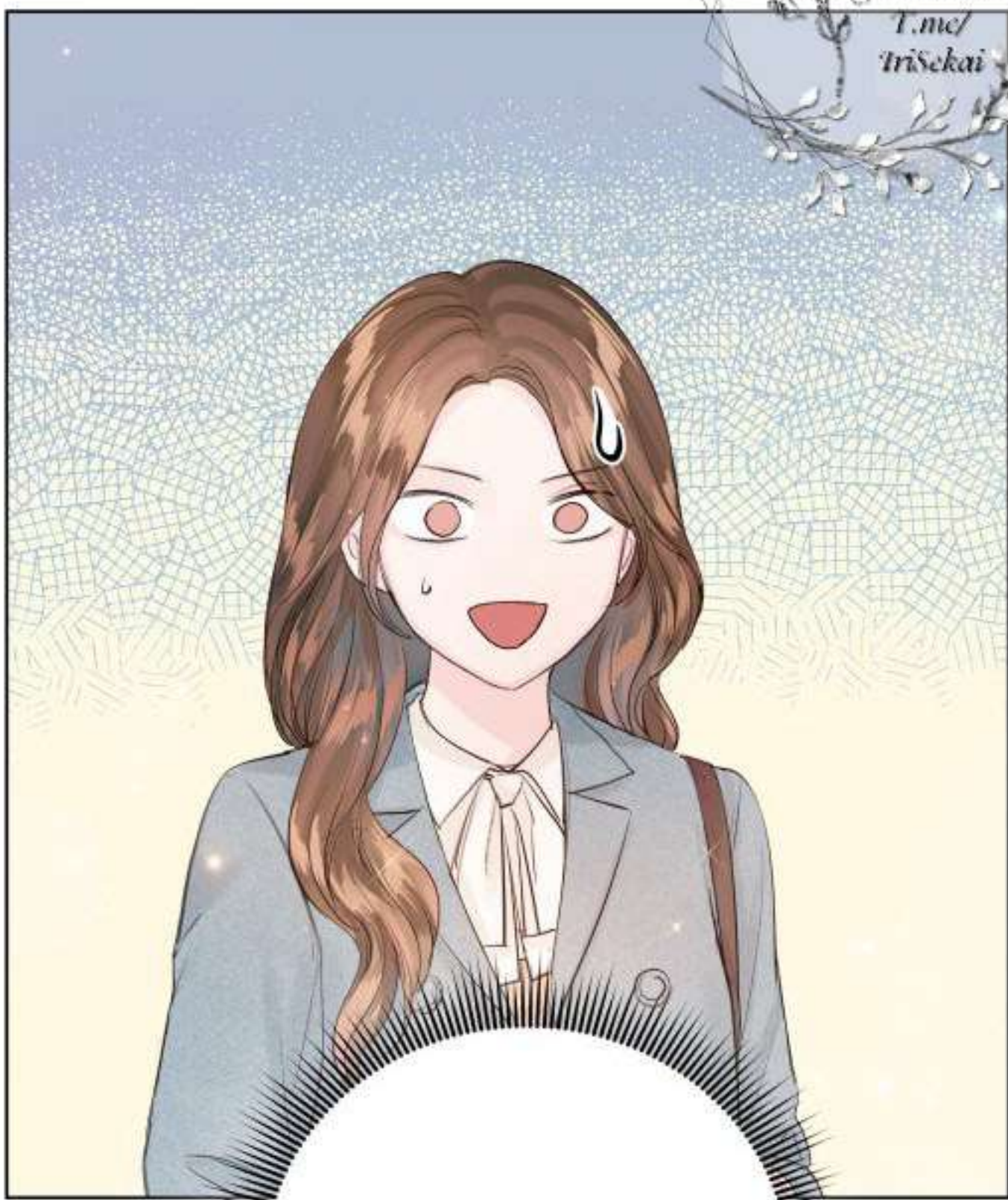


هنوز شام
نخوردی، نه؟



یکم مرغ سوخاری
گرفتم. بیا با هم
بخوریم!





هنوز پايته اون
عكس عصيانیه؟

...من معذرت
میخوام.



نمیدونستم اون عکس
اینقدر برات مهمه.

فقط واسه اینکه ازش
خوشم نمیومد انداختمش
دور...

آره. باشه.





ببخشید یکم زیادی
حساسیت به خرج
دادم.



و اینکه...

...میخواهم به
حرفات اعتماد
کنم.

هر چی بگی باور
میکنم، پس همه
چیزو بهم بگو.

تا طلاق نگرفتیم.





من... طلاق
نمیگیرم.



ج-چہ خبرہ؟





مال توقعه؟



Iris
Sekai
T.me/
IrisSekai





چیزایی که تـواون
دفترچه نوشتی...
چه معنی ای میدن؟







کسی داره
تهدیدت میکنه؟



정글



정글



نمیخواهی بهم بگی.



.....



باشه. اگه نمیخواهی
چیزی بگی، مطمئنم به
دلیلی پشتش هست.

اما بیا اینجوری فکر
کنیم که همچین چیزی
اصلاً وجود نداشته.





من فراموشش میکنم،
پس تو هم فراموشش
کن.

بیا دیگه
بندازیمش دور.



ن-نہ...



تونباید...

چی؟



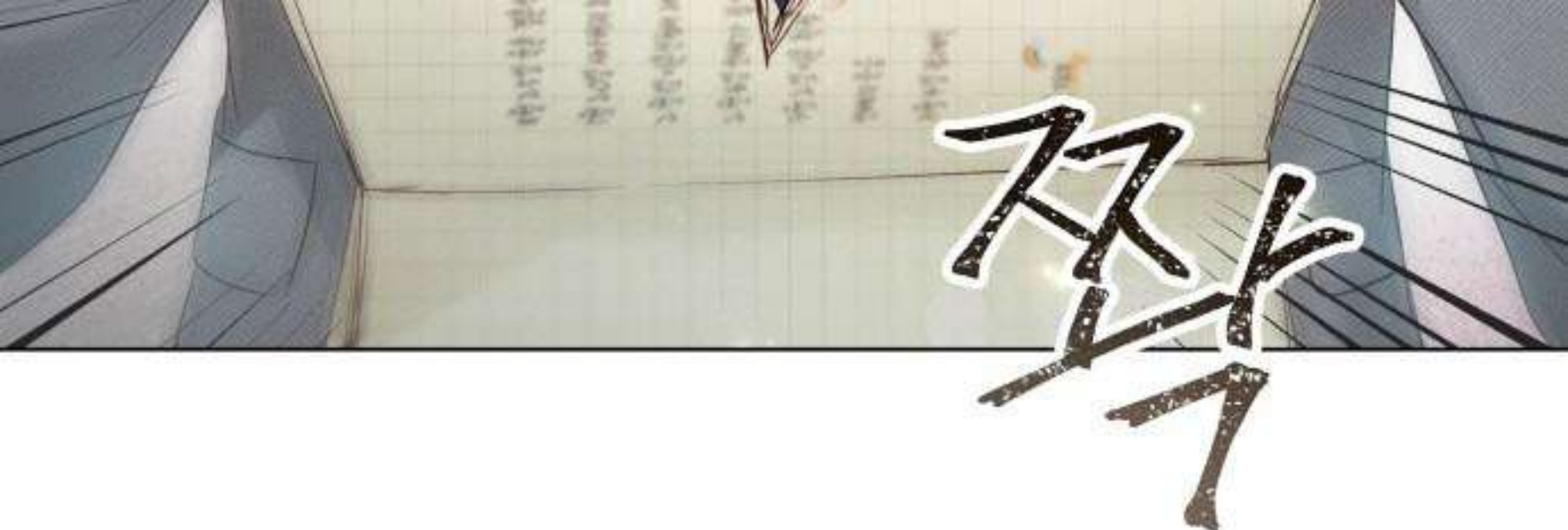


*پارہ کردن

آه

این دیگه
چه کوفتیه؟!





آه



نه! لطفا....!

آه



اگه اون دفترچه رو نداشته باشم، ممکنه یادم بره.

باشم، ممکنه یادم بره.

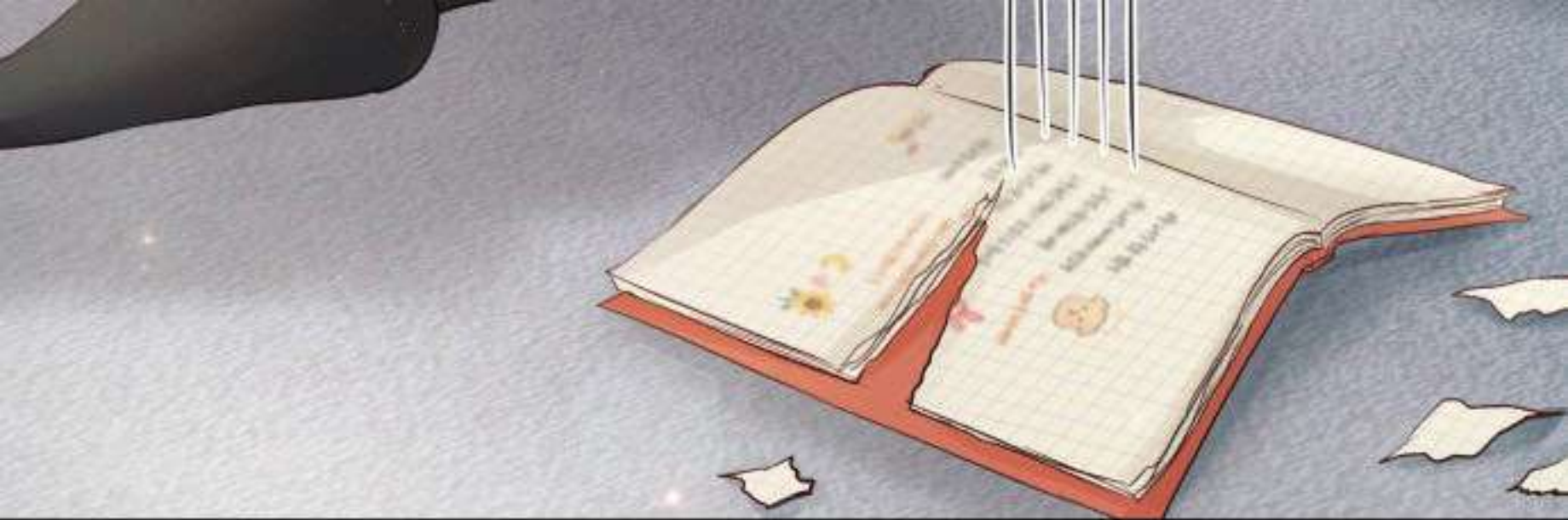


لطفا...
تھومس کن.

باید تا وقتی که نجات
میدم همه چی یادم برونه...!







آخه این چه کاریه
که داری میکنی!؟





...باید بهم بگی که
بتونم یه جوری
کمکت کنم.





قول میدم هر
چی بگی باور کنم.

پس فقط
بهم بگو.



هر چيم كه بگي،
من طرف توعم.



حتی اگہ بہ عشقم
خیانت کنی...

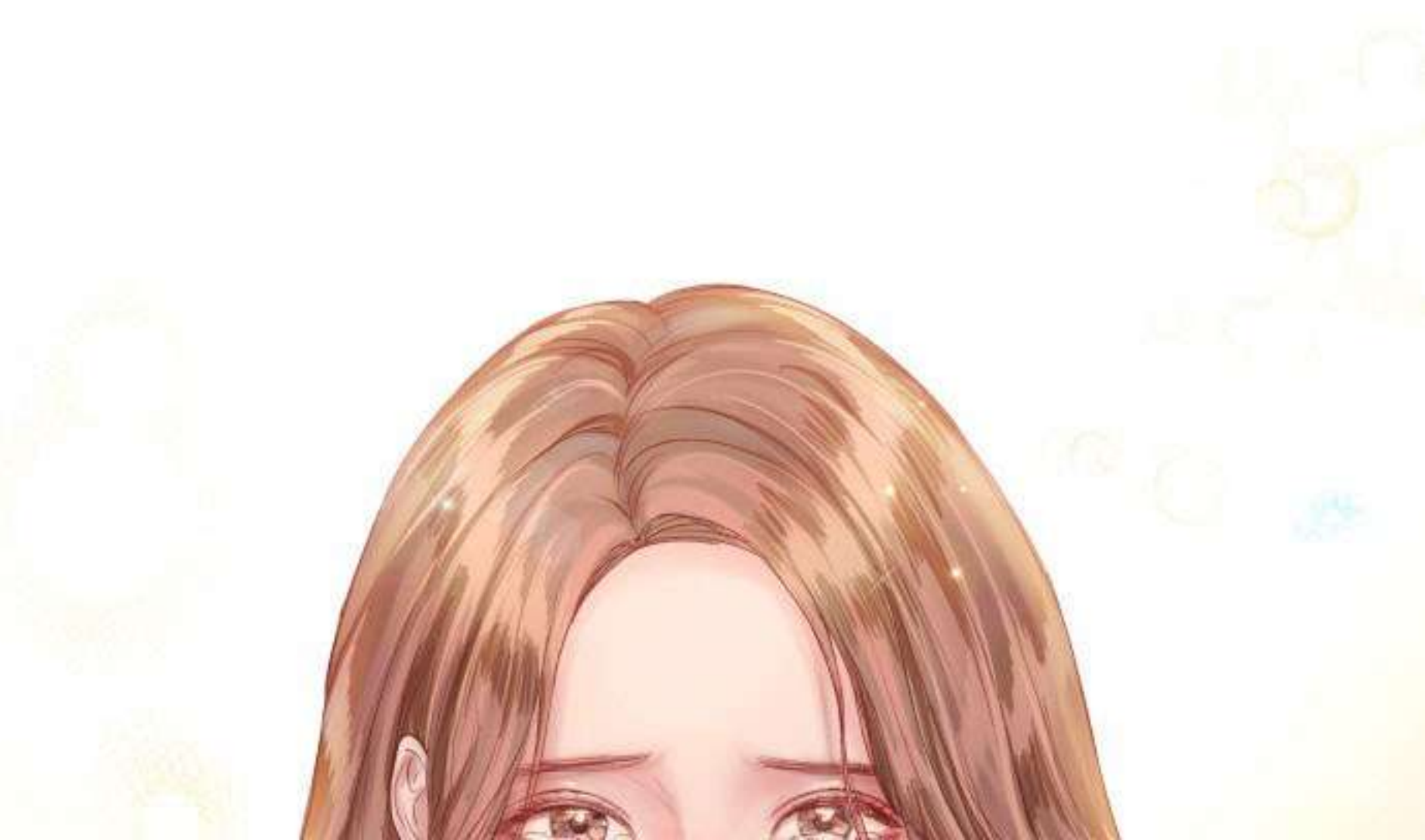


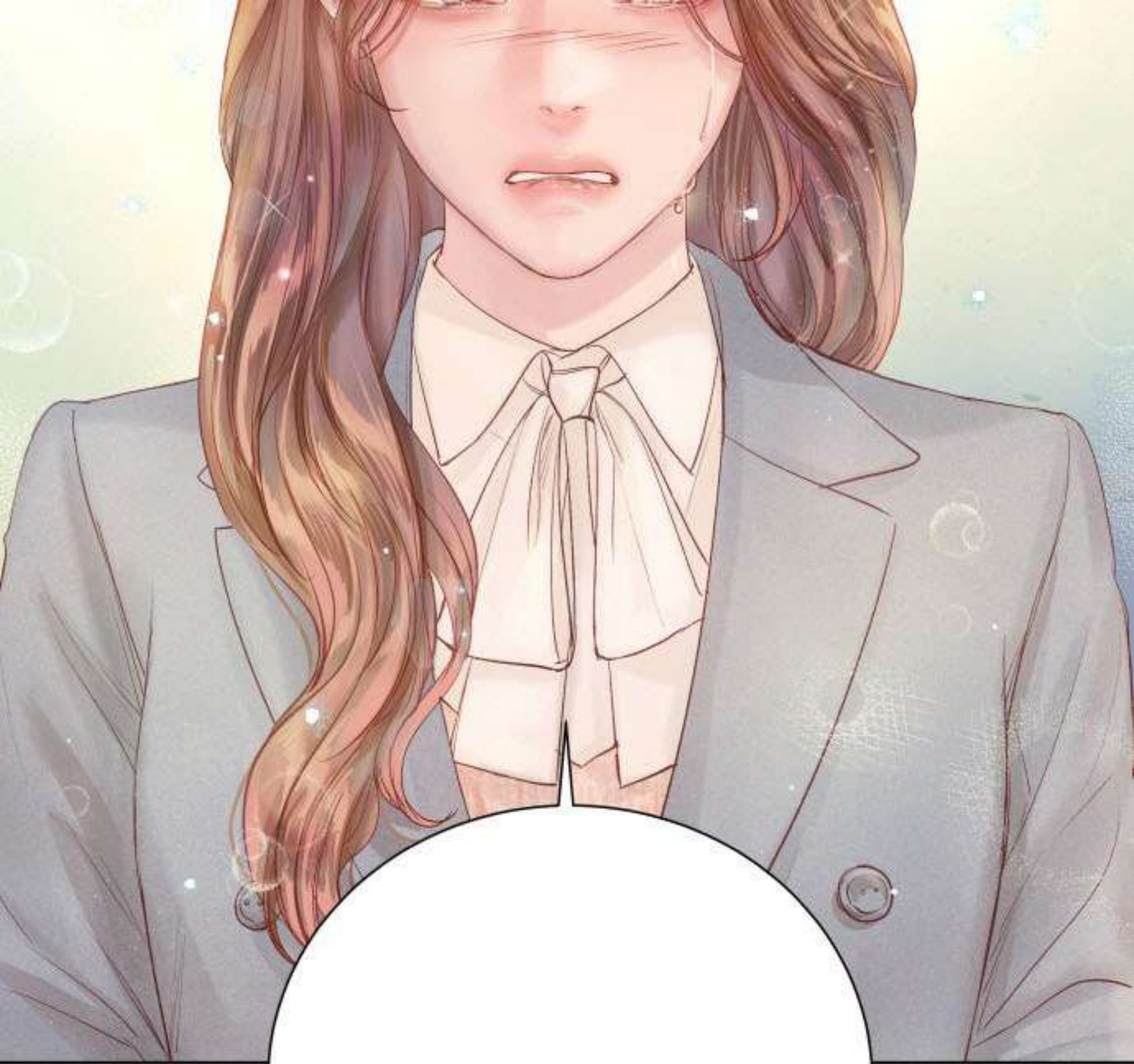
من...

من از آینده اومدم.



آینده ای که...





...تو توش مُردی.



جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره